

درس‌هایی از خودشناسی و خودسازی دانش هیپنوتیزم و مانیه تیزم (جزوه نهم)

نویسنده : فریدون فریور

منبع: <http://hipnotism.ir>





دوست عزیز:

امیدوارم مطالعات خود را ادامه داده، جزوه‌ی هشتم را نیز کاملاً به ذهن سپرده‌اید، از نظر انتخاب معمول و ادامه‌ی تمرینات اشکالی پیش نیامده در درس‌های گذشته از: برنامه‌ی روزانه، اراده، تلقین به نفس، شخصیت عامل، صحبت شد، حال برای تکمیل شناسایی حالات مختلف هیپنوتیزم و مانیه تیزم درس نهم را به درجات خواب اختصاص داده‌ام، با دریافت این جزوه و مطالعه‌ی آن و انجام دستورات و تمرینات جزوه‌های نه‌گانه، امیدوارم گزارشی کامل از کارهای خود تهیه و تنظیم کرده و به مؤسسه بفرستید، تا از پیشرفت‌های شما آگاهی کامل داشته باشیم. ایمیل applytc@gmail.com سایت مؤسسه www.hipnotism.ir

درس نهم

درجات خواب

امروز درس‌ها، از خصوصیت خواب و حالت و درجات آن می‌باشد، با توجه به جلسات گذشته و تمریناتی که، در آنها انجام گرفته، لازم می‌آید که در این خصوص صحبت بیشتری بشود.

خلاصه‌ی درس‌های گذشته اینکه، از نظر آموزش آنچه لازمه‌ی عمل و تمرین بود، گفته شد، اکنون می‌دانیم که...

برنامه‌ی روزانه یعنی چه؟ فواید آن در یادگیری دانش مانیه تیزم چگونه است؟ به همین جهت از ابتدای کار با برنامه‌ی روزانه شروع کردیم تا موفقیت خود را کاملاً درک نمائیم.

اراده و تقویت آن چگونه بوده؟ با این وسیله توانستیم بین هیپنوتیزم و مانیه تیزم فرقی قائل شویم، حقایقی را دریابیم و بدانها عمل کنیم.

تلقین و تلقین به نفس، نقش آن را کاملاً می‌دانیم، به قوانین آن عمل کرده و می‌دانیم که چگونه باید تلقین را انجام دهیم و از کار خود نتیجه بگیریم.

همچنین تنفس عمیق در هوای آزاد برای چیست؟ آن کسی که به طرف هیپنوتیزم کشیده می‌شود، علت آن چیست؟ شاید بتوانم در این جلسه این موضوع را مشروحاً شرح دهم.

حرکات دست مخصوص عاملین مغناطیس شخصی است، هیپنوتیزورها از این حرکات، از نظر تلقینی استفاده می‌کنند. وقتی مانیه تیزور بتواند خود را با مداومت تمرینات نیرومند سازد، این حرکات در ایشان به اشارات و یا حرکات کوچک تبدیل می‌شود. البته این موضوع بستگی دارد به تجربیات مانیه تیزور که، می‌تواند در خود تمرکز فکری عمیق و سنگین ایجاد نماید.

ورزش و تمرینات آن، به طوری که ملاحظه شد، آن هم یک مسئله‌ی اساسی است، نباید مانیه تیزور آن را ترك کند.

دیگر در جلسات گذشته، انتخاب معمول و معمولین حساس را از نظر کلی یاد گرفتیم و این را هم می‌دانیم که، تجربیات شخصی هم در این مسئله دخالت مستقیم دارد. یک عامل خوب باید بداند که، از حاضرین کدام یک را که آماده‌گی دارد انتخاب نماید، تا بتواند زودتر و بهتر او را تحت تأثیر خود قرار دهد شخصیت عامل نیز مسئله‌ای است که دانستیم در دانش مانیه‌تیزم این شخصیت خود به خود ساخته می‌شود. چنانچه شخص در حقیقت در این دانش کار کند آن را خود ایجاد خواهد کرد، این شخصیت از خصوصیات است که، در اولین برخورد و ملاقات خود را نشان می‌دهد.

• حال از نظر شناسایی خواب‌های مختلف مطالعات خود را ادامه می‌دهیم.

پس از تأثیر گرفتن، سوژه یا معمول تلقین خواب می‌کنیم حرکات دست را به نحوی که، شرح آن داده شد انجام می‌دهیم، تا معمول به حالت سوگزستیف درآید. در هیپنوتیزم و مانیه‌تیزم حالت تلقینی یکسان است. فقط فرقی که در آن می‌توان ملاحظه کرد. آرامشی است که، معمول در خواب مانیه‌تیزمی احساس می‌کند. در هیپنوتیزم این آرامش و راحتی مشاهده نمی‌گردد، چون هیپنوتیزم در حقیقت پس از خستگی که، در معمول ایجاد می‌گردد، حاصل می‌شود.

سوگزستیف یا حالت تلقینی، نخست حالتی است که، معمول با فرو رفتن در آن، از حالت طبیعی خارج می‌شود. به عبارت دیگر به حالت غیر طبیعی یا خواب مصنوعی در می‌آید، این حالت مقدمه ایست برای عملیات و تجارب دیگر، این حالت دروازه‌ی

جهانی دیگر است، هنوز کاملاً در آن کشفیات انجام نگرفته زیر نظر تحقیق و مطالعه دانشمندان می‌باشد.

موضوعی که می‌باید اشاره شود اینکه، در کتاب هیپنوتیزم و تلقین در دو صفحه‌ی مختلف راجع به خواب‌های هیپنوتیزم و هانیه‌تیزم صحبت کرده و شرح داده‌ام زیرا می‌خواستم بین حالات این دو نوع خواب کردن فرقی بگذارم، در صفحه‌ی 124 هیپنوتیزم و تلقین اشاره شده:

- اراده‌ی معمول در نتیجه‌ی تحت تأثیر گرفتن سلب می‌گردد، این حالت ممکن است در مدت خیلی کوتاه یعنی در چند ثانیه و یا چند دقیقه حاصل شود،
- خوابی است سبک و بس ملایم، به طوری که چشم‌های معمول باز می‌باشد نگاه می‌کند، می‌بیند و می‌تواند صحبت کند در عین حال در اعضاء مختلف بدن و به خصوص پلای چشم‌هایش مختصر سنگینی، احساس می‌نماید.

در هیپنوتیزم و مانیه‌تیزم این حالت یکسان است، ولی در حقیقت بین این دو فرقی وجود دارد، یکی از دوستان که در علم هیپنوتیزم کار کرده بود، بین حالات مانیه‌تیزم و هیپنوتیزم فرقی نمی‌گذاشت در جلسه‌ای باهم بودیم و در اطراف این دانش‌ها مذاکراتی داشتیم. دختر خانمی را ایشان خواب کردند و دستوراتی دادند و همچنین اشاره کردند که، از هیچ کسی امری را نپذیرند و دستوراتی را از کسی قبول ننمایند و انجام ندهند. دست راست ایشان را خشک کردند. به من گفتند که از معمول کارهایی را بخواهم، پس از تحت تأثیر گرفتن تلقین کردم دست تو آزاد

است، و دست ایشان به حالت طبیعی برگشت و افتاد و ثابت شد که، ایشان هیپنوتیزم می‌کنند، بعد همان دستور را (سایت هیپنوتیزم دات آی آر) من به ایشان دادم و دوست من نتوانستند در معمول نفوذ کنند و همین طور دست ایشان در حالت خشکی باقی ماند. بدین ترتیب فرق بین این دو حالت یکی این که سوژه در مانیه تیزم از دیگران حرف شنوی ندارد، کاملاً در اختیار آن عاملی است که او را خواب کرده است، البته فرق‌های دیگری نیز موجود است که در جای خود تعریف خواهیم کرد.

حال می‌پردازیم به اصل موضوع، مشخصات حالت سوگژستیف به شرح زیر است در این حالت:

- 1- معمول به نظر می‌آید که حالت عادی دارد. بین او و دیگران که در خواب نیستند، از نظر ظاهری فرقی نیست، ولی:
- 2- اراده‌اش تحت نظر عامل است، هر دستوری که عامل بدهد از نظری قابل قبول باشد، سوژه آن را قبول کرده و انجام خواهد داد. در صورت این که مخالف میلش باشد ممکن است بتواند سرباز زند، دیگر این که:
- 3- در خواب هیپنوتیزم، معمول صدای عامل را می‌شنود و همچنین صدای دیگران را نیز می‌شنود، می‌تواند خود را از اختیار عامل خارج سازد، می‌تواند از خود مقاومت نشان دهد. با مختصر تلاشی ممکن است ارتباط عامل و معمول از همدیگر قطع گردد.

4- در خواب مانیه تیزم: معمول فقط صدای عامل را می شنود، پس به سوالات عامل پاسخ می دهد بین عامل و معمول ارتباط معنوی کاملی وجود دارد. تمریناتی که به وسیله مانیه تیزور در این حالت داده می شود تماماً کامل به مرحله ی اجرا می رسد. معمول نمی تواند از دستورات عامل سرپیچی نماید، در هیپنوتیزم این خصوصیات مشاهده نمی شود، به همین جهت در کتاب خود در دو فصل مجزا شرح داده ام، هم چنین:

5- آرامشی که معمول در مانیه تیزم دارد در هیپنوتیزم آن را ندارد. بیشتر احساس خستگی می کند، ولی این عوارض در مانیه تیزم مشاهده نمی شود. اگر هم مختصر احساسی از این قبیل داشته باشد با پاس های رفع خستگی باور ساده می توان برطرف نمود، باز هم اشاره می کنم در صفحه 90 کتاب (هیپنوتیزم و تلقین) شرح داده ام: که می توانید از سایت www.hipnotism.ir کتاب را دانلود کنید.

- هیپنوتیزم حالتی است که عاملین به وسیله ی اسباب در معمولین ایجاد می نمایند. ساده ترین و سیله چشم است، هرگاه معمولی را روی صندلی مقابل خود بنشانید، به چشم های وی نگاه کنید و به خواب برود يك عمل هیپنوتیزمی انجام داده اید.

وسایلی دیگر در این امر به کار گرفته شده، مثل: تنگ بلور پر از آب، شمع و چراغ های کم نور و پرنور، بشقاب سفید و نقطه ی سیاه، بعدها از آینه گردان، حباب هیپنوتیکی، یا دیسک هیپنوتیکی نیز استفاده شده است. ضمناً عطر و بخور و از این قبیل مواد بودار هم استفاده کرده و مسأله را با دیگر موضوعات ماوراء

الطبیعه توأم نموده‌اند، به طور کلی محیط را طوری به حصار آماده کرده‌اند که اشخاص مورد نظر محیط را برای کارهای خود آماده دیده و موفقیت‌های بیشتری به دست آورده‌اند، ولی مانیه‌تیزور فقط با گذاشتن دست خود روی شانه‌ی معمول یا شخص مورد نظر، یا نشانیدن وی روی صندلی و دستور بستن چشم‌ها و ایجاد تمرکز فکری، معمول را به راحتی خواب می‌کنند در نتیجه در معمول یا خودشان هیچ‌گونه ناراحتی ایجاد نمی‌شود. به راحتی حالت خواب به وجود آمده و به راحتی هم آن حالت را زایل می‌سازند، بدون این که در معمول عوارضی را باقی گذارند.

اگر عاملی چند نفر را به وسیله‌ی هیپنوتیزم خواب کند، هر يك از معمولین ممکن است يك حالت بخصوصی را قبول نمایند، مثلاً یکی در خواب کاتالپسی و دیگری در خواب سوگزستیک و آن سومی اصلاً به خواب نرفته باشد، ولی در مانیه‌تیزم خواب‌ها ردیف و یکسان است و به ترتیب می‌توان آنها را از هم تشخیص داد و اراده‌ی عامل در حالات مختلف کاملاً دخالت دارد.

با توجه به تاریخ و سرگذشت این دانش‌ها، می‌توان دریافت که ابتدا بشر از قدرت طبیعی خود، مانیه‌تیزم، استفاده می‌کرده، در اواسط قرن نوزده هیپنوتیزم را از نظر علمی قبول کرده و مورد استفاده قرار دادند، به جهت ساده و آسان بودن دستورات یادگیری طرفدارانی پیدا کرد و امروزه همین طور عده‌ای بدان اشتغال دارند ولی نمی‌توان اساس علم مانیه تیزم را که از دوران‌های دوری از آن استفاده می‌شود، امروز فراموش کرد در صورتیکه آثار آن در همه جا مشاهده می‌شود از پنجاب

هندوستان گرفته تا آن سر دنیا آمریکا، در سراسر جهان، دانشمندانی در آن کار می‌کنند، نتایج مثبتی نیز از کار خود بدست می‌آورند.

در صفحه 89 (هیپنوتیزم و تلقین) نیز به شکل دیگری به این موضوع اشاره شده

- در حقیقت هیپنوتیزم شاخه‌ای از مانیه تیزم بوده و مغناطیس شخصی اعم و عالی و هیپنوتیزم و دانی است.
ضمناً اشاره شده:

- باید توجه داشت این علم شریف برای برقص در آوردن معمول و ادا در آوردن و تفریح تماشاچی‌ها نمی‌باشد بلکه بهترین وسیله برای تزئید و توسعه و رشد قوای ضمیر مغفوله و نیروی تفکر و تصمق و تقویت اراده و سیستم اعصاب محسوب است.

در تاریخ، هیپنوتیزم دو مکتب به نام نانسی (برنهایم) و سالپتریه (شارگو) نقش بزرگی بازی کرده‌اند، این دو مکتب با موسسین و طرفداران خود همیشه در تلاش بوده‌اند که، حقایقی را کشف و عرضه دارند.

• مکتب نانسی با توجه به سبک و سنگین بودن حالت‌ها، نه حالت را به شرح زیر معرفی کرده، و اساس کار خود را روی این حالت ارائه داده و تجربیات خود را بشرح آن تدوین نمده است:

1- خواب خیلی سبک: این حالت، حالت تلقینی سبکی است که، می‌شود گفت عین بیداری است، ولی معمول جزئی رابطه با عامل دارد، خواه و ناخواه از گفته‌های ایشان تبعیت کرده، از اطلاعات می‌برد.

2- خواب سبک: این حالت باز هم همان خصوصیات حالت تلقینی را دارد، منتهی قدری عمیقتر و سنگین‌تر است، معمول در این حالت مسلوب‌الاراده می‌باشد، وقتی عامل می‌گوید، (چشم‌های خود را به بندد) معمول نمی‌تواند با اختیار خود آن‌ها را باز نماید، همین‌طور عملیات و تمرین‌های کوچک و سبک به ایشان داده می‌شود، بدون اینکه در برابر آن‌ها از خود مقاومت نشان دهد. دقیقاً انجام می‌دهد، تمام تمرینات حالت سوگزستیگی را می‌توان در این حالت از ایشان خواست و موفق شد.

3- خواب سنگین: این حالت را می‌توان ابتدای خواب کاتالپسی نامید. اعضای بدن معمول کمی سفت شده و خاصیت تحرکی خود را از دست می‌دهد. با مختصر فشار و تلقین می‌توان، عضوی را کاملاً خشک کرد. مثلاً بازوی معمول را از آرنج با مختصر فشار یا پاس سفت و خشت نمود. عامل قادر به تا نمودن آن نخواهد بود، اگر معمول روی صندلی نشسته باشد. نمی‌توان از روی آن بلند شود، گویی که به صندلی چسبیده است.

در این حالت از معمول می‌پرسید: (اسمت را بگو) لب‌هایش به همدیگر چسبیده و نمی‌تواند پاسخ شما را بدهد، همچنین دیگر عملیات مثل این‌ها از وی می‌توان توقع داشت.

4- خواب سنگین‌تر: در این حالت، خصوصیات تمام خواب کاتالپسی در اعضای معمول، نمایان است. ضمناً اگر معمول را وادارید یکی دوبار عملی را تکراراً انجام دهد، مرتباً آن را تکرار خواهد کرد، چنان چه بگویید یکی از دست‌هایت را بچرخاند، دیگر توانایی آنکه دستش را نگه داری از وی سلب شده و بچرخش دست ادامه خواهد داد، برای نگه داشتن آن برای دستور عامل است.

5- حالت یا خواب خیلی سنگین: این حالت، همان حالت کاتالپسی است، تمام اعضای بدن معمول، خشک می‌شود، بطوریکه می‌تواند سر معمول را روی یک صندلی و پاهایش را نیز روی صندلی دیگر قرار دهید و مثل یک پل در آن حالت نگاه دارید، این خواب بیشتر جنبه نمایشی داشته، می‌توان آن در مجمع دوستان استفاده کرد، برای شناسائی دانش هیپنوتیزم به دیگران سود جست، در این حالت برای اینکه قدرت بدنی معمول را نشان بدهند، روی سینه یا شکم او چند کیلو سنگ یک قطعه می‌گذارند و با پتک آن را می‌شکنند نظر از این عمل، فقط نمایش قدرت را در معمول نشان می‌دهند، یا اینکه در این حالت پل، روی سینه او می‌تواند نشست، با این که معمول مقاومت کرده و تا نمی‌شود بطوری که اشاره کردم این حالت بیشتر جنبه نمایشی دارد.

6- سمنامبول خیلی سبک: در این حالت قدرت تلقین پذیری معمول زیاد است، حالت (آلوسیناسیون) خرافه‌ای، در وی مشاهده می‌شود هر کاری را تلفیق

کنید، انجام داده و بخاطر نیز می‌سپارید و فراموش نمی‌کنید بعد از بیداری آن را هم بخاطر می‌آورد مگر اینکه تلقین نمایید:
 هر عملی که انجام داده‌اید بعد از بیداری بخاطر نمی‌آورید، همه را فراموش می‌کنید.

البته بطور کلی، در اصول بیدار کردن، لازم است این تلقین انجام گیرد و صحیح در کار این است که، عامل این تلقین را موقع بیدار کردن فراموش ننماید، حتماً از معمول بخواهید که، کلیه عملیات را فراموش سازد، مگر اینکه، بخاطر آوردنش را نظری باشد، بخصوص تاکید شود که دیگر آن را فراموش نخواهد کرد.

7- سمنامبول سبک: در این حالت بعد از بیدار شدن خاطره‌ای بیاد ندارد، ولی حالت (آنستزی) بی حسی دارد، حرکات غیر اختیاری از خود نشان می‌دهد گویی چیزهایی در خواب می‌بیند از خویشتن عکس العمل نشان می‌دهد، بعد از بیداری تمام آن‌ها را از یاد برده و فراموش می‌نماید.

8- سمنامبول سنگین: در این حالت حالتی بنام آلوسیناسیون در معمول مشاهده می‌شود هرچه در باطن دارد، بدان علاقه مند است، بروز می‌دهد اگر شخصی باشد مذهبی از خود اعمالی نشان می‌دهد که گویی دراد عبادت می‌کند، بطور کلی حالات مخصوص داخلی و پنهانی خود را نشان و آشکار می‌سازد بدین ترتیب می‌توان به آرامی در این حالت حقیقت‌های شخصیت را دریافت. نکات حساس زندگی فردی را تعیین نمود.

9- سمنامبول خیلی سنگین: آخرین مرحله خواب در مکتب نانسی، این حالت ماست، که در آن می‌توان برای آتیه تلقیناتی نمود و نتیجه گرفت، بطوری که ملاحظه می‌گردد تمام این حالات نه گانه؟؟ بوده و بین این حالات می‌توان حالات دیگری را تصور کرد، در معالجات پزشکی و تداوی روحی از هریک این خواب‌ها می‌توان درباره بیمار تصمیماتی اتخاذ نمود و در بهبودی شخص بیمار کوشید، این مکتب نیز باتوجه بخصوصیاتی که در هریک از این مراحل ملاحظه کرده مرحله به مرحله نسبت به آن حالات اسم‌گذاری نموده و آنها را از یکدیگر مجزا و مشخص کرده است.

تقسیمات دیگر از مکتب سالپتیره(شارگو) معرفی شده که بشرح زیر از آن تعریف و توصیف می‌شود:

مکتب سالپتیره: سه حالت مختلف را در هیپنوتیزم مشخص کرده و بدین ترتیب می‌باشند:

1- لتارژی

2- کاتالپسی

3- سمنامبول

تعریفی که از این سه حالت داریم این که:

در حالت لتارژی معمول در مرحله‌ای از خواب است که، شباهت کامل به حالت مرده دارد، کاملاً بی‌حسی در تمام بدنش مشاهده می‌شود.

در این حالت کاتالپسی می‌توان اندام معمول را بهر شکلی که ممکن است خشک کرد، از این لحاظ برای نمایش دادن در برابر دیدگان تماشاچی بهترین راه برای تظاهر است.

در حالت سمنامبول نیز می‌توان بهترین تعریف را چنین کرد: طبیعتاً در این خواب، معمول مامور انجام اموری است که به ایشان تلقین می‌شود و با کمال میل و سرعت در انجام آن‌ها می‌کوشد، راجع به این حالات در خواب‌های مرکب بیشتر توضیح داده خواهد شد.

در هریک از این حالات خصوصیات است که از نظر معالجات و تداوی روحی، پزشکان از آنها استفاده می‌کنند.

طریقه‌ی به دست آوردن این حالات در این مکتب به شرح زیر است:

1- لتارژی

طریقه‌ی به دست آوردن: نگاه کردن معمول به شئی تیره و کدر
معمولین حساس: بیماران هیستریکی
طریقه‌ی بیدار کردن: با فوت کردن به چشم‌های معمول

2- کاتالپسی

طریقه‌ی به دست آوردن: نگاه کردن معمول به شئی درخشان
معمولین حساس: بیماران هیستریکی و عصبی
طریقه‌ی بیدار کردن: با فوت کردن به چشم‌های معمول

3-سمنامبول

از دو حالت فوق (لتارژی - کاتالپسی) استفاده کرده با فشار دادن به : چشم، گوش، بینی و با مختصر مالش سر، معمول را به حالت سمنامبول می‌برند، برای بیدار کردن نیز با فوت کردن به چشم‌های معمول، از خواب بیدار می‌کنند.

تبدیل خواب‌های هیپنوتیزمی به همدیگر

اگر معمول در حالت لتارژی باشد با باز کردن چشمان وی، خوابش به خواب کاتالپسی تبدیل می‌گردد. در همین حالت با مختصر مالش سر معمول، خواب وی به حالت سمنامبول تبدیل می‌شود.

اگر معمول در حالت کاتالپسی باشد، با بستن چشمان و فشار مختصر خوابش به خواب لتارژی تبدیل می‌گردد در همین حالت با مختصر مالش سر خواب به حالت سمنامبول تبدیل می‌شود.

اگر معمول در خواب سمنامبول باشد، تبدیل آن به دیگر خواب‌ها ممکن نیست، بعد از عملیات لازم و انجام آنها، با فوت کردن به چشمان معمول می‌توان وی را از خواب بیدار کرد.

با توجه به شرح بالا در هیپنوتیزم تمام این حالات مرتب نیست، هر کسی با نظر خاص خود، با معمولین کاری انجام داده و نظریه‌ای ابراز داشته است. به طور کلی در هیپنوتیزم نمی‌توان این خواب‌ها به طور مرتب ردیف کرد، یا از نظر معمولین حساس، اذعان کرد که هر کس هیستریکی یا عصبی است، می‌توان آنان را خواب کرد، ولی این ماجرا در مانیه تیزم کاملاً روشن گردیده، با پاس و تلقین و قدرت مغناطیسی، می‌توان به ترتیب این حالات مختلف را به شرح زیر تعریف نمود.

به طوری که قبلاً اشاره شده در این جزوه‌ها منظور از یادگیری، یادگ رفتن خواب‌های مخلوط است، به عبارت دیگر می‌خواهیم از تلقین و هیپنوتیزم بخصوص از مانیه تیزم استفاده کنیم، به همین جهت در این گفتار در تعریف خواب‌ها، ترتیبی را بیان می‌کنم که در خواب‌های مخلوط یا مرکب مراعات می‌گردد. این خواب‌ها نیز به شرح سنگین شدن، توصیف می‌شود.

1- حالت سوگزستیف

این حالت، نخستین خوابی است که بعد از تحت تأثیر گرفتن معمول، حاصل می‌شود. از نظر مدت ایجاد آن، در معمولین حساس و غیرحساس فرق می‌کند، ممکن است با یک نگاه این حالت در معمول ایجاد شود، به طور

کلی می‌توان گفت خود این حالت درجات سبک و سنگین دارد، با هر عملیاتی که روی معمول انجام می‌گیرد خواب سنگین‌تر می‌شود. در حقیقت این خواب، حالت (سایت هیپنوتیزم دات آی آر) تلقینی بوده و سبک و ملایم است. در این حالت چشم‌های معمول باز زاست و نگاه می‌کند، مشاهده می‌نماید می‌تواند با دیگران صحبت کند، ولی یک رابطه‌ی معنوی با عامل دارد. توجهش بیشتر به طرف عامل است، در مجلس بیشتر به طرف عامل کشیده می‌شود، مجذوب صحبت‌های عامل می‌باشد، درست است که با دیگران نیز رابطه دارد ولی ترجیح می‌دهد همیشه با عامل باشد، به هنگام سنگین شدن این حالت معمول به تدریج از دیگران قطع رابطه می‌کند، در این موقع فقط عامل می‌بیند، حرف‌های عامل را گوش می‌دهد و می‌شنود، حالت به‌تبی در معمول مشاهده می‌شود، ارتباط معنوی بین عامل و معمول یکی از خصوصیات خواب‌های مصنوعی می‌باشد تا معمول در این حالت باقی است، این ارتباط هم برقرار می‌باشد. با توجه بیشتر عامل این ارتباط بیشتر و بیشتر می‌شود، طوری که اگر عامل دستش را به طرف گوش خود ببرد معمول نیز بدون توجه این عمل را خواهد کرد، یعنی دستش را به طرف گوش خود خواهد برد، بخصوص اگر از قدرت تلقینی استفاده شود، اعمال معمول قابل توجه خواهد بود.

2- حالت کاتالپسی

این خواب مرحله‌ی دوم از خواب‌های مانیه‌تیزم است. معمولاً چشم‌های معمول در آن بسته است، در صورت باز بودن بی‌حرکت و ثابت می‌باشد. با پا، یا مالش، تلقین و اراده می‌شود. آن را در تمام اعضای بدن معمول سرایت داد، به ترتیبی که بتوان سرش را روی یک صندلی و پاهایش را روی یک صندلی دیگر قرار داد. این بهترین حالت نمایش است که هیپنوتیزورها و مرتاضان نمایشی، در سالن‌ها آن را به معرض نمایش می‌گذارند. در این حالت چنانچه فشاری متناسب وزن بدن معمول و قدرت جسمانی‌اش به ایشان وارد شودف تحمل آن را خواهند داشت، در هر حال اندام معمول را می‌توان به هر شکلی در آوردو مثل عروسک‌های بازی به هر طرف متناسب حرکات طبیعی بدن شکل داد که به همان وضع ساعت‌ها باقی بماند. در این حالت بی‌حسی در تمام بدن معمول به وجود می‌آید، به همین جهت هر چند ساعت، به هر شکل که بخواهید می‌توانید بدن معمول را نگاه دارید، بدون این که احساس خستگی نماید، البته این اعمال را از نظر نمایشی نشان می‌دهد بدان جهت از نظر مدت، هر قدر کوتاه زمان باشد بهتر خواهد بود.

در حالت کاتالپسی، باز هم بین عامل و معمول ارتباط معنوی وجود دارد، در این حالت معمول، عامل را درک کرده و صدای او را می‌شنود. در صورتی که صداهای دیگران را احساس نمی‌کند، در محیطی که قرار گرفته به طور کامل از آن قطع رابطه می‌نماید، مگر خواسته‌ی عامل باشد که از محیط خارج و دیگران ادراکی داشته باشد.

3- حالت سمنامبول

پرمعنی‌ترین، مفصل‌ترین، پر استفاده‌ترین، حتی بغرنج‌ترین حالت در دانش مانیه‌تیزم، همین حالت سمنامبول است. هر چند که این حالت از نظر نمایشی چندان چشمگیر نیست، ولی حقیقتاً از لحاظ معنوی، قابل ملاحظه و تدقیق و تحقیق است.

معمول در این حالت کاملاً در اختیار عامل قرار گرفته، می‌توان گفت طبیعتاً مأمور انجام اموری است که به ایشان تلقین می‌شود. در درجات مختلف آن نیز می‌توان پی به حقایقی برد که خارق‌العاده به نظر می‌رسد، ولی اصولاً از این حالت و درجات آن از هر لحاظ می‌توان استفاده کرده و مطالعات و تحقیقات عمیق و لازم را ادامه داده و نتایج عالی به دست آورد.

این خواب از دو خواب قبلی (سوگژستیف- کاتالپسی) سنگین‌تر است و کارهایی که معمول در این حالت انجام می‌دهد، بعد از بیداری فراموش کرده و به خاطر ندارد، مگر آنچه را که عامل به ایشان تلقین نماید که حتماً به خاطر خواهید داشت، آن وقت آنها را فراموش نخواهد نمود.

به طور عادی مشاهده شده که عده‌ای در عالم خواب بیدار شده و راهپیمایی می‌کنند، یا کارهایی انجام می‌دهند. مثلاً دیده شده که یکی در عالم خواب در روی دیوار باریکی قدم بر می‌دارد، چنانچه در آن حالت او را از خواب بیدار نمایند، تعادل خود را از دست داده به زمین خواهد افتاد، به همین جهت است که سکوت را در این موارد از هر چاره‌ای بهتر تشخیص داده و سفارش می‌شود که کاری به

کارش نداشته باشند تا کار خود را به نحو کامل انجام داده و به رختخواب خود برگردد. همچنین داستان‌هایی داریم که کفاشی شب‌ها بیدار می‌شد بدون این که درک نماید و احساسی داشته باشد، بداند که چکار می‌کند در حقیقت باید گفت که بلند می‌شد و کفش‌های سفارشی ارباب رجوع را می‌دوخت و بعد اتمام کارها، باز به رختخواب بر می‌گشت و می‌خوابید. صبح کارهای سفارشی را دوخته می‌یافت. به قولی به او پری‌ها و جن‌ها کمک می‌کردند، در صورتی که خودش تمام کارها انجام می‌داد ولی خاطره‌ای از کار شب به خاطر نداشت. کفش‌های سفارشی مردم را برای تحویل آماده می‌کرد.

کارهایی که در این خواب با معمول می‌توان انجام داد متعدد و متنوع است. در هر مرحله از درجات آن می‌توان دستوراتی داد و نتایجی صحیح به دست آورد، منتهی بعضی از معمولین در این حالت نظریه‌های شخصی خود را نیز خواه و ناخواه دخالت می‌دهند، به همین جهت است که باید حرف‌های معمولی را قبول کرد و مورد استفاده قرار داد که مدتی با ایشان کار شده است تا بتوان تشخیص داد که آیا راستگو می‌باشد یا نه؟ تا بتوان راست و دروغ را از هم تفکیک کرد، البته گاهی معمولینی نیز پیدا شده که از ابتدای امر راستگو بوده و حقایقی را مکشوف می‌سازند، با قبول این‌که تمام حرکات و صداها و افعال اشخاص و موجودات دارای امواجی بوده و آثاری از خود باقی می‌گذارند. این مسأله به طور ساده البته علمی مورد قبول خواهد بود تا بتوان به گفتارها و نوشته‌های این نوع معمولین اعتماد نمود.

حالت سمنامبول دارای درجاتی است که به یکایک آنها به ترتیب اشاره می‌شود و تعریفات و تمثیلاتی نیز بیان می‌گردد.

درجه‌ی اول: ارتباط کامل عامل و معمول

بین عامل و معمول، از نظر امواج بدنی و مغزی که از عامل و معمول ساطع شده و روی هم تأثیر می‌گذارند، ارتباط کامل به وجود می‌آید.

بدین ترتیب هر چه عامل فکر می‌کند، معمول آن را درک می‌نماید. مشکل در این جا است که عامل باید چگونه تربیت شده باشد که بتواند در این موقع افکار خود را کنترل نماید، تا تأثیری در معمول ننماید، چون در این موارد تلقیناتی که عامل به وسیله‌ی فکر و تمرکز فکری انجام می‌دهد برای معمول قابل فهم و احساس است، به طوری که در کتاب (هیپنوتیزمو تلقین) اشاره کرده‌ام، (القاء صفحه‌ی 86 کتاب)

- می‌تواند ... به وسیله‌ی فکر "بدون گفتار و غیره" تلقین را انجام داد در معمول ایجاد القاء نماید ... این عمل بخصوص در معمولین حساس و آن که بیشتر به خواب رفته و تمرین‌های مختلفی انجام داده است، صورت‌پذیر است موضوع این که پس از انجام عملیاتی حضار روی برگ کاغذی جمله‌ی "عطر گل سرخ" را نوشته به همدیگر نشان داده از موضوع آن، می‌شدند، بعداً نوشته را به من نشان می‌دادند، شیشه‌ی کوچکی که روی میز بود برداشته با اراده‌ی قوی به معمول می‌گفتم بو کند و به وسیله‌ی فکر

"عطر گل سرخ" را القاء می‌کردم. پس از بوییدن شیشه می‌گفت: "عطر گل سرخ است" به وسیله‌ی همین یک شیشه در همان جلسه، بوی آمونیاک و بنزین و چیزهای دیگر را القاء کردم و نتیجه‌ی خوبی گرفتم. این موضوع در علم مانیه‌تیزم بحث شیرین دارد.

به طوری که در جزوه‌ی سوم و ششم اشاره شده، نتیجه‌ی کار و فعالیت دوست عزیز را خواسته بودم، در این جزوه نیز نیاز به این گزارش کار دارم، بقیه‌ی درجات خواب سمنامبول نیز در جزوه‌ی دهم، تدریس خواهد شد. منتظر دریافت یک گزارش کامل از طرف جنابعالی دارم، حتماً اقدام نمایید.

آرزوی آگاهی از موفقیت‌های شما را داریم.

پایان جزوه نهم

از دیگر تالیف های استاد فریدون فریور

1- کتاب هیپنوتیزم و تلقین

2- کتاب نقطه سیاه

3- مجموعه 12 جزوه آموزشی و عملی آموزش هیپنوتیزم,دگر هیپنوتیزم و مانیه تیزم

شما میتوانید محصولات فوق را در سایت <http://hipnotism.ir> ویا در

سایت <http://paydownload.ir> دانلود کنید

